

بررسی تأثیر جنبش های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه

نویسندگان: علیرضا صحرایی^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال سیزدهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۵

چکیده

گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه توانست تا حدود زیادی منابع قدرت نرم قدرت های جهانی و به خصوص ایالات متحده و قدرت های بزرگ منطقه ای از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خویش قرار دهد. این پژوهش میکوشد تا تأثیر جنبشهای مردمی - دینی اخیر در سال ۲۰۱۱ میلادی را بر تغییر منابع قدرت نرم ایران و آمریکا در منطقه، تجزیه و تحلیل کند. یافته های این پژوهش بیانگر این است که با توجه به ماهیت و اهداف جنبشهای اخیر در خاورمیانه، ادامه روند این تحولات به افزایش منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد.

واژگان کلیدی:

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، خاورمیانه، جنبش های اسلامی - مردمی

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه و بیان مساله:

قدرت نرم^۱، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها برای دستیابی به اهدافشان دارد. به همین دلیل قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در پی کنترل و مدیریت مناطق ژئواستراتژیک جهان با ابزارهای نرم افزا رگرایانه هستند. از جمله این مناطق مهم، خاورمیانه است که با فاکتورهای مهمی مثل قلب انرژی جهان، پل ارتباطی قاره‌ها و اسلام سیاسی و... در ارتباط است و اهمیت ویژه‌ای دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ارائه ارزش‌های اسلامی (در تمامی ابعاد) در جهان اسلام و خاورمیانه، ماهیت این انقلاب با استراتژی نرم افزا رگرایانه آمریکا که مبتنی بر گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی در خاورمیانه بود، در تقابل قرار گرفته است و همواره این دو کشور کوشیده‌اند منابع قدرت نرم خویش را در جهان اسلام و منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه افزایش دهند. جنبش‌های اخیر در خاورمیانه سبب تغییر در منابع قدرت نرم این دو کشور در خاورمیانه شده است. این مقاله بر آن است تا تاثیر این تحولات را بر منابع قدرت نرم این دو کشور در منطقه، بررسی و تجزیه و تحلیل کند. بنابراین، محور این مقاله، پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی است:

- ۱- منابع و محدودیت‌های قدرت نرم ایران و آمریکا در خاور میانه قبل از انقلاب‌های مردمی اخیر (جنبش‌های سال ۲۰۱۱) چه بوده است؟
- ۲- این تحولات چه تاثیری بر میزان منابع قدرت نرم این دو کشور در خاورمیانه داشته است؟

فرضیه پژوهش:

تحولات اخیر در خاورمیانه به کاهش منابع قدرت نرم ایالات متحده آمریکا و افزایش منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه، منجر شده است.

روش تحقیق:

روش‌شناسی بحث: در خصوص بحث متدولوژی انجام تحقیق باید سه موضوع را از یکدیگر تمیز داد:

۱- روش جمع‌آوری داده‌ها،

۲- روش تحلیل داده‌ها

۳- نوع نگرش حاکم بر تحقیق.

بر این مبنا باید گفت که روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز (باتوجه به نوع داده‌ها که کیفی هستند) در این تحقیق روش کتابخانه‌ای- اسنادی و بیشترین

منابع در این مورد باتوجه به محدودیت آثار و کتب، سایت‌های اطلاع رسانی و روزنامه‌ها می‌باشد. روش تحلیل داده‌ها (یا همان روش آزمون فرضیات) به صورت روش "تحلیلی-تاریخی" همراه با توصیف بوده و نوع نگرش حاکم بر این پژوهش استفاده از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد.

این مقاله شامل سه قسمت اصلی است: در قسمت اول، تعاریف و مفاهیم قدرت نرم و همچنین تفکیک حوزه‌های قدرت نرم و قدرت سخت بررسی، و در نتیجه، اهمیت و جایگاه قدرت نرم در برابر محدودیت‌های قدرت سخت، برای دستیابی بازیگران نظام بین‌الملل به اهداف استراتژیکشان، مشخص شده است. در قسمت دوم، ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در منطقه با توجه به استراتژی نرم، منابع قدرت نرم و محدودیت‌های قدرت نرم این دو کشور قبل از انقلاب‌های مردمی، تجزیه و تحلیل شده است. در بخش سوم هم تأثیر انقلاب‌های عربی اخیر در خاورمیانه بر وزن منابع قدرت نرم آمریکا و ایران در منطقه، بررسی شده است.

قسمت اول) قدرت نرم: تعاریف و مفاهیم

کلیدواژه‌ی قدرت^۱ از موضوعاتی است که همواره مورد توجه دولت‌ها بوده است. دولت‌ها برای اینکه بتوانند بر دیگران اثر بگذارند؛ به گونه‌ای که آنها را تغییر دهند و به اهداف و منافع خود دست یابند، به نقش قدرت توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در گذشته، دولت‌ها برای به دست آوردن اهداف سیاست خارجی فقط به اعمال قدرت سخت در قالب توانایی‌های نظامی و اقتصادی متکی بودند و به نقش قدرت نرم توجه نمی‌کردند. اما امروزه با توجه به انقلاب ارتباطات و همچنین اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و نقش افکار عمومی در سیاست بین‌الملل، به کارگیری قدرت سخت هزینه‌های زیادی در پی دارد. بنابراین، دولت‌ها می‌کوشند در سیاست خارجی خود، از قدرت نرم به منظور مقبولیت و پذیرش بیشتر و همچنین کاستن از هزینه‌ها به واسطه مقاومت کمتر دیگران، استفاده کنند.

به نظر جوزف نای (مبدع نظریه قدرت نرم)، قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران استوار است که بیشتر با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی و فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌شوند، مرتبط است. (نای^۲، ۲۰۰۴: ۶). بر این اساس، قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است؛ اندازه قدرت سخت، وابسته به دولت نیست؛ تنها در چنبره حکومت محبوس نیست؛ و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر فراوانی بر آن دارد. (نای، ۲۰۰۲: ۵۵۶). نای، در کتاب "قدرت نرم و رهبری هوشمند" در تعریف قدرت نرم می‌نویسد:

1. Power

2. Nye

«قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب حمایت افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقناع اذهان به جای اعمال فشار است. این بعد متاخر قدرت، از منابع فرهنگ، عقاید، باورها و آداب و سنن اجتماعی نشئت می گیرد. پیشرفت چشمگیر فناوری اطلاعات در دوران جدید به رشد روز افزون ارتباطات منجر شده و مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است. امروزه این قدرت، نقش مهمی در عرصه روابط بین الملل و مانور واحدهای سیاسی یافته است». (نای، ۲۰۰۷: ۱۵۴).

«ایدئولوژی»، «اعتبار ملی»، «روحیه ملی»، «خصوصیات ملی»، «هویت ملی»، «ساختار حکومت»، «موقعیت جغرافیایی»، «مشروعیت نظام سیاسی» و ... از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب «قدرت نرم» مورد توجه قرار می گیرند. (آیکنبری، ۲۰۱۱: ۶۵) آنچه از کلمات اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی آید، این است که قدرت نرم، نتیجه و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار نزد افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت اثر گذاری غیرمستقیم همراه با رضایت دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن، و مؤلفه هایی از این نسخ است. بارز ترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد و شخصی، تصویری است که ماکس وبر، جامعه شناس مشهور آلمانی، از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت های بزرگ و چهره های متنفذ و کاریزما ارائه کرده است (آیبید: ۶۸).

۱. تعیین حوزه های قدرت نرم و قدرت سخت :

قدرت نرم در مقابل قدرت سخت تعریف می شود. از این رو، لازم است تفاوت میان قدرت نرم و قدرت سخت، آشکار شود تا این دو اصطلاح از هم متمایز گردند. قدرت سخت، در کاربرد ابزارهای نظامی، به کار بردن زور، بازدارندگی، تهدید و ارعاب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می کند. همچنین در اعمال قدرت اقتصادی، فشار مالی، تحریم اقتصادی، رشوه دادن، کمک های مالی و تشویق و تهدید اقتصادی، خود را نشان می دهد. اما قدرت نرم، سرشت دیگری دارد و خود را از راه جذابیت، فریبندگی، برنامه ریزی فرهنگی، ترویج رشته ای از ارزش ها توسط رسانه و نیز دیپلماسی عمومی و چندجانبه آشکار می سازد. بنابراین، قدرت نرم به معنای توانایی دولت ها برای دستیابی به هدف دلخواه از راه اقناع و کشش، نه از طریق اعمال زور یا پرداخت پول است. (نای، ۲۰۰۴: ۲۵۷). دیپلماسی عمومی نیز به مثابه بازوی اجرایی قدرت نرم، به معنای اثرگذاری دولت بر نگرش های عمومی در کشورها و جوامع دیگر و کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین المللی در سیاست خارجی است. (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۵)

1. Ikenberry

2. Ibid

اعمال قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی، همواره از مؤلفه‌های کلیدی در رهبری کشورهاست؛ همچنین در جهان یکپارچه کنونی که به واسطه یک ساختار ارتباطی پیچیده، به دهکده‌ای تبدیل شده، امکانی است برای کشورها تا هزینه‌های مرتبط با قدرت سخت و دیپلماسی سنتی را به طرز شگفت‌آوری پایین آورند و گاه حتی به اهدافی دست یابند که با هر میزان قدرت سخت نیز رسیدن به آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. قدرت نرم هر کشور در ابتدا از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع تلقی شود) (نای، ۲۰۰۴: ۶).

هم زمان با ورود به هزاره سوم میلادی و به دلیل تغییر ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، منابع قدرت نرم نیز تحول یافته‌اند و اشکال نامحسوس قدرت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در واقع، تحول بستر قدرت در سیاست بین‌الملل موجب شده است تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان بدهد و جوامع نیز قدرتمندی را نه در گروهی منابع صرفاً مادی، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به حساب آورند. این بعد از قدرت، چهره دوم قدرت یا قدرت نرم خوانده می‌شود که نتیجه و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی و اثرگذاری غیرمستقیم بر دیگران همراه با رضایت آنهاست. قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع، از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه نخست، افکار عمومی خارج کشور است. در قدرت نرم باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه اینکه ما به دنیا چگونه می‌نگریم (لوکس^۱، ۲۰۰۷: ۷۵-۸۳).

با وجود تغییرات اساسی که از پایان جنگ سرد تاکنون رخ داده است، امروزه "جهانی شدن"، سلطه جویی‌های مبتنی بر قدرت سخت را در سطح وسیع برنمی‌تابد. امروزه، شرایط کاملاً دگرگون شده است. بازیگر هژمونی طلب باید ضمن پذیرش اقتضائات دنیای جدید، شیوه‌های اعمال نفوذش را بر وفق آن متحول سازد. در زمان غلبه و رواج قدرت نرم، بازیگری می‌تواند تاج سرکردگی و رهبری جامعه جهانی را بر سر بگذارد که فرهنگ، جهان بینی، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زیست اجتماعی خود را عالم گیر کند و جهانیان را بدون کاربرد زور آشکار وادارد تا داوطلبانه از زاویه نگاه او به موضوعات جاری بنگرند، با قواعد ابداعی او بازی کنند و تفاسیر برساخته او از وقایع و پدیده‌های حادث در جهان را بپذیرند (آیکنبری، ۲۰۱۱: ۶۷).

قدرت نرم با به کارگیری ابزارهایی همچون فرهنگ، ایدئولوژی، آرمان و ارزش‌های اخلاقی، به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها و جوامع اثر می‌گذارد. بنابراین، موفقیت دولت‌ها در کاربرد ابعاد نرم افزاری قدرت، با توبه به شرایط و ویژگی

های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی خاص هر کشور و یا منطقه متفاوت است (لوکس، ۲۰۰۷: ۸۳).

۲. عوامل ایجاد کننده یا تقویت کننده قدرت نرم:

به طور خلاصه عوامل ایجاد کننده یا تقویت کننده این نوع قدرت عبارتند از:

- موقعیت ایدئولوژیک؛
 - ارتباطات دیپلماتیک مطبوع و گسترده؛
 - مناسبات و مبادلات فرهنگی؛
 - ترویج زبان و ادبیات؛
 - تبلیغ آرمان ها، ارزش ها و اهداف متعالی؛
 - ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود؛
 - بهره گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ برای مقاصد دیپلماتیک؛
 - طراحی و اتخاذ سیاست های استراتژیک مقبول؛
 - زدودن ذهنیت های تاریخی منفی؛
 - مبادلات دانشگاهی و آکادمیک؛
 - سرمایه گذاری در تربیت نخبگان دیگر کشورها. (نای، ۲۰۱۰: ۹۹).
- بر این اساس، برخی ابزارها و واهکارهای عملی دستیابی کشورها به قدرت نرم و در اختیار داشتن آن رami توان این گونه برشمرد:

- ۱- همگرایی و پیوندهای فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی با دیگر کشورها؛
- ۲- ایجاد نمایندگی های سیاسی، کنسولی و فرهنگی در کشورهای جهان؛
- ۳- تشکیل انجمن های دوستی و برگزاری هفته های فرهنگی در کشورهای مختلف
- برای شناساندن ظرفیت های فرهنگی کشور و ایجاد تعامل با افکار عمومی در خارج؛
- ۴- سفر مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور به نقاط مختلف جهان؛
- ۵- انتشار و توزیع روزنامه و ایجاد شبکه های خبری- رسانه ای به زبان های مختلف؛
- ۶- برنامه های تبادل استاد و دانشجو و همکاری های علمی؛
- ۷- پذیرش مهاجران و گردشگران؛ تشویق به مسافرت های خارج از کشور برای انتقال فرهنگ داخل به خارج؛
- ۸- ایجاد و تقویت مؤسسات فرهنگ شناسی و زبان شناسی کشور مبدأ در کشورهای هدف؛
- ۹- تشویق به آموزش زبان های دیگر در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی برای تعامل با دنیای خارج. (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۳)

همچنین باید اشاره کرد که فرهنگ نیز جایگاه ویژه ای در شکل گیری و افزایش منابع قدرت نرم دارد. اهمیت جایگاه فرهنگ در عرصه معادلات نوین جهانی تا جایی است که

قدرت پژوهانی مانند "جوزف نای"، این عنصر را در قلمرو منابع قدرت نرم گنجانده و به ظرفیت‌های بسیار بالای آن برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده توجه ویژه کرده‌اند. نای در هنگام برشمردن منابع قدرت نرم، در درجه اول از فرهنگ نام می‌برد. (گیل و هوانگ^۱، ۲۰۰۶: ۱۷-۳۶).

بنابراین، به گمان نای، فرهنگ می‌تواند افزایش دهنده‌ی قدرت باشد. اما آیا قدرت آفرینی، خصوصیات ماهیتی همه فرهنگ‌ها محسوب می‌شود؟ پاسخ نای به این پرسش منفی است. وی شرط جذابیت را مطرح می‌کند و عقیده دارد فرهنگ کشوری را می‌توان قدرت آفرین نامید که در انظار مردمان دیگر کشورها جذاب باشد. (نای، ۲۰۰۸: ۴). به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر فرهنگ یک کشور، نوعی جذابیت و گیرایی ذاتی داشته باشد، به نحوی که دیگر کشورها داوطلبانه و با رضایت خاطر، به اقتباس و پیروی از مظاهر آن و مصرف محصولاتش رغبت نشان دهند، کشور مورد نظر می‌تواند از فرهنگ خود به عنوان یک منبع مهم افزایش قدرت نرم استفاده کند.

قسمت دوم) ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه:

تقابل قدرت نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه، در ماهیت متفاوت استراتژی کلان این دو کشور در نظام بین‌الملل و خاورمیانه، ریشه دارد. در این قسمت، ماهیت رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه در قالب استراتژی نرم این دو کشور بررسی می‌شود.

۱. استراتژی نرم افزارگرایانه آمریکا در خاورمیانه در قبال ایران:

امروزه غرب به رهبری آمریکا برچم دار جنگ نرم است و هدف محوری و اصلی آنها در دو حوزه بین‌المللی و ملی قابل بررسی است. آنها در حوزه بین‌المللی در پی کنترل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک هستند. در درون این هدف نهایی، حذف نظام‌های چالش‌گرا، حفظ تمدن غرب و جهانی سازی آن و ممانعت از اتحاد و انسجام کشورهای مخالف و اسلامی قرار دارد. در سطح ملی، هدف اصلی آنها از بین بردن نظام‌هایی همچون نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ (زکریا^۲، ۲۰۰۹: ۵۸). زیرا این نظام و فلسفه سیاسی آن را که مبتنی بر اسلام است، مهم‌ترین چالش بر ضد نظام لیبرال دموکراسی و در نتیجه هژمونی فرهنگی آمریکا در جهان و به خصوص خاورمیانه، تلقی می‌کنند.

اگر در سطح کلان بخواهیم، سیاست‌های راهبردی آمریکا را در تقابل جنگ نرم با ایران در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه تشریح کنیم، پیرامون پنج محور اساسی است:

۱. القای اسلام‌هراسی؛ ۲. القای شیعه‌هراسی؛ ۳. القای سنی‌هراسی؛ ۴. القای ترس

1. Gill&Huang

2. Zakaria

از انقلاب اسلامی؛ ۵. القای ایران هراسی. (آیپید: ۵۹-۶۳). به عنوان مثال، طرح هلال شیعی در محور شیعه هراسی، نشان دادن چهره خشن از اسلام در محور اسلام هراسی، انتشار اخبار کذب پیرامون قدرت هسته ای ایران در محور ایران هراسی، و نشان دادن چهره بد از سنی ها در نگاه شیعیان در محور سنی هراسی، قابل تحلیل است. در کنار این پنج سیاست، ارائه یک تصویر زیبا و مدینه فاضله از تمدن غرب و زندگی غربی در دستور کار آنها قرار دارد.

همچنین آمریکایی ها به استثنائگرایی معتقدند و ملت آمریکا را یک ملت استثنا فرض می گیرند. آنها تصور می کنند که الگوی جهانیان هستند و خود را در شهر بر فراز تپه می دانند (زکریا، ۲۰۰۸: ۵۹). انقلاب اسلامی ایران با ارائه الگوها و ارزش هایی متفاوت با ارزش های لیبرال دموکراسی که منابع قدرت نرم آمریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می شوند، الگوها و ارزش های لیبرال دموکراسی آمریکا را به چالش می کشد. نای، متفکر آمریکایی، به طور ویژه به کشورش، یعنی ایالات متحده اشاره می کند و اعتقاد دارد این کشور به واسطه وجود منابع و توانایی های فراوان در زمینه قدرت نرم، می تواند نقش مهمی در کنترل و هدایت تعارضات جهانی ایفا کند و به دلیل جایگاه ویژه ی خاورمیانه در معادلات جهانی، این منطقه در دستگاه سیاستگذاری خارجی آمریکا اهمیت خاصی دارد (نای، ۲۰۰۴: ۹). نای در جایی دیگر، از ترکیب قدرت نرم با قدرت سخت سخن می گوید و آن را قدرت هوشمند می نامد. از منظر او آمریکا باید با کشور هایی هم چون ایران که موجب همسویی منافع سایر تهدید کنندگان منافع ایالات متحده در خاورمیانه می شوند، هوشمندانه مقابله کند.

آمریکا باید نگران استراتژی هایی باشد که به دشمنانش کمک می کند نیرو های ناهمگون را تحت یک پرچم، متحد سازند. ایالات متحده داستان خوبی برای روایت کردن در اختیار دارد، اما ناکامی هایش در ترکیب قدرت سخت و نرم در یک استراتژی هوشمند بدین معنی است که اغلب اوقات، راه خود را می رود و قصه خود را می سراید و این می تواند مخرب باشد. (نای، ۲۰۰۹: ۱۲۰).

در مجموع، به نظر نویسنده این پژوهش، اهداف آمریکا را در رویارویی نرم بر ضد ایران در خاورمیانه، می توان این گونه برشمرد:

الف) ترساندن دولت ها و ملت های خاورمیانه از خطر ایران برای منطقه، با طرح موضوعاتی همچون خطر گسترش سلاح های هسته ای و تروریسم با محوریت ایران؛
ب) ترویج سکولاریسم، لیبرال دموکراسی و ارزش های غربی در خاورمیانه در تقابل با الگوی اسلامی جمهوری اسلامی ایران؛

ج) مقابله با فرهنگ دینی و مذهبی ایران و جلوگیری از گسترش آن به کشورهای

دیگر خاورمیانه؛

د) عرفی سازی حکومت های خاورمیانه و ترویج پلورالیسم دینی؛

ه) تشدید اختلافات قومی و مذهبی در ایران و همچنین کشورهای خاورمیانه با ایران

در قالب دو قوم عرب و فارس و دو مذهب شیعه و سنی؛

و) تشنج زدایی و عادی سازی روابط دولت ها و ملت های عربی منطقه با اسرائیل، در

تقابل با استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جبهه گیری امت مسلمان بر ضد حضور

اسرائیل و سیاست های او در منطقه.

۲. استراتژی نرم افزار گرایانه ایران بر ضد آمریکا در خاورمیانه:

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت اسلامی اش، استراتژی نرم افزار گرایانه ویژه

ای را در منطقه دنبال می کند که هدف نهایی آن، مقابله با استراتژی نرم افزار گرایانه

آمریکا در تقابل با صدور ارزش های دینی- فرهنگی انقلاب اسلامی ایران است. به

طور کلی، این استراتژی، در قالب دکترین تعامل سازنده قابل بررسی است. (مولانا و

محمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۲۳)

به نظر نگارنده، استراتژی نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه را می توان پیرامون

این محورها تشریح کرد:

الف) خنثی کردن تبلیغات غرب بر ضد خطرهای نظام جمهوری اسلامی ایران در

منطقه و نظام بین الملل؛

ب) شکل گیری یک جبهه نرم از کشورهای خاورمیانه بر ضد اسرائیل و آمریکا در

منطقه با محوریت و موضوع سرزمین های اشغالی و تقابل جهان اسلام با استکبار

جهانی آمریکا؛

ج) عادی سازی روابط با دولت ها و ملت های خاورمیانه و تشنج زدایی از آن در تقابل

با استراتژی امریکا در منزوی کردن ایران در منطقه برای جلوگیری از صدور انقلاب

اسلامی ایران؛

د) گسترش الگوی حکومت دینی و ارزش های انقلاب اسلامی ایران به دیگر کشورهای

خاورمیانه؛

ه) و نهایتاً تشیع به مثابه تولید کننده قدرت نرم: (این مورد نیاز به توضیح بیشتری

دارد که ذیلاً تبیین می شود)

همانگونه که گفته شد، فرهنگ امریکایی که با طراحی نظریه پردازان امریکایی

قصد داشت خود را به عنوان یگانه قدرت انحصاری تولید قدرت نرم بر همگان تحمیل

کند، توسط فرهنگ های رقیب اروپایی و غیراروپایی به چالش کشیده شد. اپلز در این

زمینه به نکته‌ای جالب اشاره کرده است: در کشورهای اسلامی این اعتقاد و باورهای دینی مردم است که مقابل فرهنگ امریکایی قرار می‌گیرد و مانع دستیابی امریکایی‌ها به آرزوهای خام دموکراسی و حقوق بشر و طرح امریکایی خاورمیانه می‌شود. آنچه امروزه در کشورهای مسلمان از آن به بیدارگری یا احیای اسلام یاد می‌شود، نقطه مقابل قدرت نرم امریکایی‌ها است که عموماً در کشورهای اسلامی جریان دارد. اما اگر از جهان اسلام که تقابل عام فرهنگ اسلامی در مقابل فرهنگ غربی و امریکایی است بگذریم به ایران اسلامی می‌رسیم که در آن مذهب شیعه، به صورت خاص، با انرژی‌ای چند برابر دیگر مذهب اسلامی با تجهیز توده ایرانی به قدرت نرم تفکر دینی و انقلابی، پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ تاکنون، خواب را بر چشم دشمنان دین و ملت حرام کرده و جلوی پیشرفت طرح‌های امریکایی در منطقه، مانند غربی کردن جوامع و اجرای طرح خاورمیانه بزرگ را گرفته است. امروزه تقریباً تمامی ملل مسلمان دریافته‌اند که غربی کردن جامعه به سبک و سیاق امریکایی نه به نفع دین و باورها و ارزش‌های دینی آنهاست نه باعث توسعه و پیشرفت مادی این جوامع می‌شود، بلکه آنها را هر روز ضعیف‌تر و وابسته‌تر به این قدرت‌ها می‌کند. کشور ایران نمونه بارز یک کشور جهان‌سومی و پیرامونی است که با انقلاب اسلامی خود در مقابل غربی شدن و امریکایی شدن جامعه خود ایستادگی کرد و تصمیم گرفت به جای فرهنگ غربی و امریکایی وارداتی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی بومی خود تکیه کند و خود را از چنبره سلطه قدرت سخت و نرم امریکایی برهاند.

از آنجا که هر فرهنگ برای گسترش و بالندگی خود نیاز به خرده فرهنگی‌هایی دارد، در دنیای کنونی، اگر اسلام به عنوان یک فرهنگ در مقابل فرهنگ غربی و امریکایی قرار گرفته باشد، در سطح کوچک‌تر مذاهب مختلف و از آن جمله مذهب شیعه، خرده فرهنگی‌های آن دین بزرگ به شمار می‌روند. مذهب شیعه که با عقبه فکری عمیق، به خاندان عصمت و طهارت پیامبر گرامی اسلامی حضرت محمد(ص) و فرزندان حضرت فاطمه(س) می‌رسد، به عنوان یک تفکر انقلابی در مقابل ظالمان و ستمگران و تفکر و فرهنگ غربی و امریکایی ایستاده است و در چارچوب گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی در کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، بحرین و یمن متبلور شده است که در بعضی از این کشورها از جمله ایران، این جنبش‌ها در چارچوب حکومت‌ها، تفکر شیعی را به جهانیان عرضه داشته‌اند و در برخی دیگر نظیر لبنان، تفکر شیعی در چارچوب یک جریان قوی اجتماعی ظاهر شده که عرصه را بر تفکر غربی، امریکایی - صهیونیستی تنگ کرده و به یک مانع اصلی در اجرای طرح‌های امریکایی در منطقه تبدیل شده است. بنابراین، با ظهور تفکر شیعی در جهان اسلام، دیدگاه فکری جوزف نای مبنی بر اشاعه فرهنگ و دموکراسی امریکایی از طریق قدرت نرم و تسلیم شدن بی‌چون و چرای جوامع در مقابل این فرهنگ و ارزش‌ها

عملاً با شکست مواجه شد. مجریان این تز مانند بوش نیز فهمیدند آنگونه که آنها فکر می‌کردند اگر عراق و افغانستان را تسخیر کنند، ملت‌های آنها آماده پذیرش فرهنگ و ارزش‌های امریکایی هستند و با هیچ مخالفتی روبرو نخواهند شد اشتباه محض بود، زیرا نه فرهنگ امریکایی آن جاذبه را برای ملت‌های مسلمان دارد که آنها را شیفته خود کند و نه فرهنگ مقابل یعنی اسلام و مذهب شیعه آنقدر ضعیف است که در مقابل این نظام سلطه که تمام ابزارهای فناوری را در اختیار دارد قد خم کند و به انقیاد آن درآید.

در این میاه خرده فرهنگ دیگری که در نتیجه انقلاب اسلامی توسط بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در راستای ترویج فرهنگ دینی در مقابل فرهنگ غربی و امریکایی ایجاد شد، تفکر و نهاد بسیج بود که به عنوان مولود صالح این انقلاب در مدتی کوتاه به سمبل و نماد مبارزه بر علیه ظلم و استکبار و تفکر امریکایی تبدیل شد. اگر حضرت امام (ره) فرمودند: «بسیج میقات پاهای فرهنگ و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشانی در گمنامی و بی‌نشانی یافته‌اند» (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۵۲، ص ۲۱). این بیان، تنها ویژگی یک سازمان نظامی یا سیاسی نیست، بلکه بیان تفکری است که قرار است جهان را در نوردد و در مقام تفکر مستضعفان و پابرهنگان که سلاحی جز ایمان به خدا ندارند، در مقابل تفکر لائیک و بی‌اعتقادی، که به جهان مادی و گذران زندگی دلخوش کرده‌اند، بایستد. آری، این تفکر بسیجی است که زاییده اسلام و انقلاب است و مبتنی بر ایمان به خداست که اگر به فرمایش حضرت امام (ره) «بر کشوری طنین انداز شود، چشم طمع جهان خواران را از آن قطع خواهد کرد» (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۵۲). پس تفکر بسیجی، پیش از آنکه یک سازمان نظامی یا تشکل سیاسی باشد، یک تفکر جهانی است که ریشه در اندیشه اسلامی دارد و بازوی فکری اسلام و انقلاب است. اگر بسیج اندیشه باشد، دیگر معنا ندارد محدود به یک نظام سیاسی یا قلمرو خاص نظامی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باقی بماند، بلکه بسیج همه آنها هست و هیچ یک از آنها به تنهایی نیست. به همین دلیل است که مشاهده می‌کنیم در روند انقلاب اسلامی در ضرورت‌های مختلف شاخه‌های مختلف بسیج دانشجویی، عشایری، اساتید، کارگری، اصناف، فرهنگیان، بسیج سازندگی و... از درخت تنومند اندیشه بسیج سر برآورده و همچنان در حال بارور شدن است. این همان ویژگی تفکر و اندیشه است که بالنده است و گرنه اگر بسیج تنها یک سازمان نظامی بود، به همان محدود می‌ماند و دیگر متنوع نمی‌شد و شاخه‌های مختلف پیدا نمی‌کرد. باز به همین دلیل است که مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در پیام‌ها و بیانات مختلف خود بسیج را امری تمام نشدنی (حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۲۷ آبان ۱۳۷۱) می‌دانند که ریشه در اسلام دارد و حتی حضرت علی (ع) را مصداق کامل یک بسیجی که خود را وقف اسلام

کرده است می‌خوانند (حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۳ آذر ۱۳۷۲). ایشان در یک کلام آن را ترکیبی از عشق و اخلاص، ایمان و فداکاری و شجاعت می‌دانند. حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پیامی که برای گردهمایی بسیج دانشجویی فرستاده‌اند می‌فرمایند:

«تفکر بسیجی، ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هوشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار خستگی ناپذیر... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست (حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۴ مهر ۱۳۷۷)».

ایشان فرهنگ بسیج را همان فرهنگ متن مردم و جامعه می‌دانند که در مراکز نظامی، صنعتی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارند (حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۵ مهر ۱۳۶۸).

بنابراین منبع اصلی تجهیز بسیج، دین اسلام و مذهب شیعه است که در پس پرده ذهن هر بسیجی عامل تحرک، شور و مقاومت در مقابل دشمن به شمار می‌رود. باید تلاش کرد تا بعد نرم بسیج در اذهان جامعه به نمایش گذاشته شود و همه بسیج را در مقام یک تفکر و اندیشه مصلح که در خدمت جامعه به نفع و مصلحت مردم عمل می‌کند بشناسند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت رویارویی نرم دو کشور ایران و آمریکا در منطقه، بر مبنای تقابل دو محور ارزش‌ها و الگوهای لیبرال دموکراسی آمریکا در منطقه - به عنوان مبانی نظری قدرت نرم آمریکا - و الگوها و ارزش‌های دینی - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران - به عنوان مبانی نظری قدرت نرم ایران در منطقه - است.

۳. منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر:

بی‌شک، آمریکا قبل از شروع انقلاب‌های مردمی - اسلامی در خاورمیانه، از منابع قدرت نرم زیادی در منطقه برخوردار بوده است. پیروزی در جنگ سرد، فروپاشی شوروی و تک قطبی شدن جهان نیز بر این اعتبار افزوده است. حضور بلند مدت در منطقه، نیاز شدید کشورهای عربی به حمایت مستمر آمریکا، تامین امنیت صوری منطقه، پایان دادن به اشغال کویت، اشغال عراق و سرنگون کردن صدام، انعقاد پیمان‌های مختلف با کشورهای منطقه، نفوذ بلامنازع در سازمان‌های بین‌المللی، روابط گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با بیشتر کشورهای منطقه، تلقی این کشور به عنوان مأمن و تکیه گاه امنیت نظام منطقه‌ای، نقش محوری آن در فرایند جهانی شدن، کمک‌های اقتصادی و گاهی بدون عوض به برخی از کشورهای نیازمند منطقه، تلاش گسترده برای انتشار ارزش‌ها و الگوهای مورد قبول خود در جهان اسلام، به ویژه در میان نسل جوان و ... به اعتبار و نفوذ

بیش از پیش این ابر قدرت در منطقه افزوده است (بیالی^۱، ۲۰۰۷: ۹۳).

نای، فرهنگ عامه ایالات متحده را نمونه بارز یک فرهنگ جذاب قدرت آفرین می داند. وی در مقدمه ((پارادوکس آمریکایی)) می نویسد:

"قطع نظر از آنچه که ما انجام می دهیم، فرهنگ عامه آمریکایی از یک اقبال جهانی برخوردار است. هیچ مغزی از نفوذ هالیوود، سی.ان.ان و اینترنت وجود ندارد. فیلم ها و تلویزیون آمریکا بیانگر آزادی، فردگرایی و تغییر، علاوه بر سکس و خشونت هستند. به طور کلی، اقبال عمومی به فرهنگ آمریکایی سبب ارتقای قدرت نرم ما - مطلوبیت فرهنگی و ایدئولوژیک ما - می گردد". (نای، ۲۰۰۲: ۲۱).

بهره‌مندی آمریکا از امکانات عظیم رسانه‌ای با توجه به کار ویژه متنوع آنها در دیپلماسی فرهنگی، نقش مهمی در تأمین قدرت نرم برای این کشور در منطقه در پی داشته است. آثار نقش برتر آمریکا در آموزش جهانی، با سلطه رسانه‌های جمعی آمریکا به شدت تقویت شده است. هر چند سایه گسترده فرهنگ آمریکا گاهی موجب واکنش‌های تهاجمی می شود، اما عنصر قدرت نرم آمریکا یک سلاح توانا و غیرتهدید آمیز در کوشش برای تسلط بر قلوب و اذهان نخبگان خارجی است (گیل و هوانگ، ۲۰۰۶: ۱۷-۳۶).

۴. محدودیت‌های قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر
در یکی دو دهه اخیر، به دلیل اعمال آشکار برخی سیاست‌های خشن و توجیه ناپذیر آمریکا در منطقه، منابع قدرت نرم این کشور در خاورمیانه کاهش یافته است. حمایت صریح و قاطعانه ایالات متحده از رژیم صهیونیستی در برابر گروه‌های مبارز فلسطینی، چهره‌ایالات متحده را نزد افکار عمومی ملت‌های خاورمیانه که به مسئله فلسطین حساس هستند، مخدوش کرده است. (فیشر^۲، ۲۰۰۶: ۷۹).

یک جانبه‌گرایی، توسعه طلبی، اشغال عراق و افغانستان، مخالفت با سوریه و لبنان، حمایت‌های قبلی از برخی گروه‌های تروریستی همچون القاعده و... از جمله موارد دیگری هستند که به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه منجر شده است. (هینن^۳، ۲۰۰۸: ۶۹). این معادله در خصوص ایران گویا سیری معکوس طی کرده است. به طور کلی، در دو دهه گذشته، سیاست‌های نامطلوب آمریکا در قبال تحولات منطقه‌ای سبب شده است چهره این کشور نزد افکار عمومی خاورمیانه - به عنوان یکی از شاخصه‌ها و منابع قدرت نرم - خدشه دار شود.

۵. منابع قدرت نرم ایران در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر
ماهیت انقلاب اسلامی ایران با محوریت دین اسلام و گفتمان عدالت محور موجود در

1. Bially

2. Fischer

3. Hinen

آن، از همان ابتدا مولد منابع قدرت نرم برای جمهوری اسلامی در اثر گذاری بر تحولات منطقه ای بوده است. دیپلماسی فعال کشور نیز در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست های خاص اقدام کرده است که در مجموع به خروج ایران از انزوا و تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین المللی و زدودن برخی ابهامات و در نتیجه، افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر شده است. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۴۸)

به طور کلی، به نظر نویسندگان این مقاله، می توان منابع قدرت نرم ایران در منطقه را پیرامون چند محور برشمرد:

- درهم آمیختگی های فرهنگی، دینی و سیاسی با بسیاری از کشورهای منطقه؛
- گفتمان عدالت محور و دینی موجود در انقلاب اسلامی ایران؛
- تحرک دیپلماتیک و حضور موفق در مجامع بین المللی؛
- طرح و ترویج ایده گفتگوی مذاهب، فرهنگ ها و تمدن ها؛
- محکومیت مستمر اسرائیل به عنوان کانون شرارت در منطقه؛
- کمک اقتصادی به برخی از کشورهای فقیر منطقه و جهان اسلام؛
- پذیرش بیش از دو میلیون آواره افغانی و عراقی در دو دهه به عنوان یک کشور نوع دوست؛

- مبارزه جدی با تروریسم بین المللی و منطقه ای؛

افزایش نقش و اهمیت اثر گذاری ایران در خاورمیانه بعد از حادثه یازده سپتامبر و بحران عراق، در درجه اول به اهمیت روز افزون مسائل خاورمیانه در نظام امنیت بین الملل بازمی گردد. به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگیهای طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم ترین کشور اثرگذار بر مسائل خاورمیانه، دارای اهمیت است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۵۵) علاوه بر این، در چند دهه اخیر، گروه های اخوان المسلمین در هر کجا که بوده اند، از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) اثر پذیرفته و ارزش ها و الگوهای انقلاب اسلامی ایران را تبلیغ کرده اند.

۶. محدودیت های قدرت نرم ایران در خاورمیانه قبل از تحولات اخیر:

جمهوری اسلامی ایران به دلیل طرح برخی اتهامات از سوی غرب، به خصوص آمریکا، با محدودیت هایی در بالا بردن قدرت نرم خود در خاورمیانه، روبه روست که به نظر نگارنده این مقاله، می توان محدودیت ها را به این شرح بیان کرد:

- بدبین کردن کشورهای خاورمیانه به جمهوری اسلامی ایران توسط غرب و آمریکا
- با خطرناک جلوه دادن ارزش های انقلاب اسلامی ایران بر ضد نظام های حکومتی آن کشورها؛

- محکوم کردن ایران به حمایت از جریان‌های بنیادگرایی و تروریستی در خاورمیانه؛
 - مانور دادن بر خطر اتمی شدن ایران برای کشورهای منطقه و در نتیجه، تغییر دیدگاه آنها درباره ایران؛
 - کمک به گسترش تعارضات درون منطقه‌ای ایران با کشورهای همسایه (جزایر سه گانه) و تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی با تحریک کشورهای منطقه
 - کمک به جبهه‌گیری دو مذهب شیعه و سنی به عنوان دو جریان در منطقه و همچنین بدبین کردن دولت‌ها و ملت‌های خاور میانه با طرح مسائلی همچون حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های شیعه در کشورهای منطقه برای به دست گرفتن قدرت.

قسمت سوم) تغییر منابع نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه بعد از شروع جنبش‌های اسلامی - مردمی

بعد از جنبش‌های مردمی - دینی اخیر در خاورمیانه و دومینوی سرنگونی حکومت‌های اقتدار گرای هم پیمان آمریکا در منطقه، منابع قدرت نرم دو کشور ایران و آمریکا در منطقه اثرپذیری چشمگیری داشته است که در این بخشی بررسی می شود.

۱. تأثیر تحولات اخیر بر کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه

همان طور که در بخش‌های قبلی بررسی شده قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران از طریق نفوذ در افکار عمومی، استوار است که بیشتر با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی و فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می شوند، مرتبط است.

منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و جهان، ارزش‌های لیبرال دموکراسی (ارزش‌های او مانیستی بر مبنای فردگرایی، سکولاریسم اجتماعی و سیاسی، اقتصاد گرایی و ...) است که چهره جذابی در سطح افکار عمومی جهان دارد. ارزش‌های لیبرال دموکراسی تاکنون توانسته است به عنوان منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در نظام جهانی و بالتبع خاورمیانه، برای اهداف استراتژیک آمریکا استفاده شود. ولی جهت‌گیری جنبش‌های دینی - مردمی اخیر در خاورمیانه که مبتنی بر ارزش‌های دینی (ارزش‌های اسلامی - مردمی در تمامی سطوح اجتماعی داخلی و بین‌المللی) و در تقابل با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی است، به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد. ویژگی مشترک مطالبات مردم انقلابی در این کشورها، بر کاهش محسوس منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه در طول این انقلاب‌ها دلالت دارد.

مطالبات و اهداف این جنبش ها، در محورهای پایان سلطه تاریخی غرب بر منطقه، پایان وابستگی همه جانبه حکومت هایشان به قدرت های جهانی و منطقه ای، مقابله با تجاوزطلبی اسرائیل در خاورمیانه (واکنش به حقارت های گذشته جهان عرب در مقابل اسرائیل) و رسیدن به حقوق شهروندی است که در قالب حکومت های اسلامی - مردمی است. (اسکلاچمن^۱، ۲۰۱۱: ۷۹). این موضوع، تضعیف ارزش های لیبرال دموکراسی آمریکا در مقابل ارزش های اسلامی در منطقه و در نتیجه، تضعیف چهره ارزش های آمریکایی (منبع قدرت نرم آمریکا در منطقه) را در پی خواهد داشت. آغاز برخی از این حرکت های انقلابی، اگر چه ممکن است متاثر از برخی مطالبات اقتصادی و سیاسی باشد، ولی تبدیل مکان ها یا نهادهای مذهبی - نظیر نمازهای جمعه و جماعات و مساجد - به خاستگاه و نقطه آغاز این تحرکات و شعارهای اسلامی، نمایانگر جهت گیری اصلی این تحرکات انقلابی است؛ (رجبی، ۱۳۹۰). این، به طور دقیق، تقابل ارزش های اسلامی با الگوها و ارزش های لیبرال دموکراسی آمریکاست. در ادامه، به نموده های واقعی و ملموس کاهش قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه و در نتیجه، مخالفت افکار عمومی مردم خاورمیانه با حضور آمریکا در منطقه، اشاره می شود:

دستگاه قضایی مصر تحقیقات خود را در خصوص کمک های مالی پنهانی آمریکا و عربستان به برخی احزاب و سازمان های غیر دولتی مصر، به ویژه بعد از انقلاب ۲۵ ژانویه، که هدفشان مقابله با احزاب اسلامی در انتخابات آینده است، آغاز کرده است. شهروندان اردن بابرپایی راهپیمایی در شهرهای مختلف این کشور، درباره تحقق نیافتن اصلاحات، به عبدالله دوم، پادشاه اردن هشدار دادند. شهرهای مختلف اردن در جمعه موسوم به "جمعیت حاکمیت"، محل اعتراضات مردمی برای چندمین هفته متوالی بود. همچنین پس از سرنگونی زین العابدین بن علی، رئیس جمهوری مخلوع تونس، مردم این کشور برای اولین بار توانستند در ماه مبارک رمضان، مراسم مذهبی خود را با آزادی کامل انجام دهند. (عرب نیوز، ۲۰۱۱).

در لیبی بعد از گذشت نیم قرن حاکمیت دیکتاتورهای مستبد، اولین حزب سیاسی مستقل در بنگازی اعلام موجودیت کرد. «لیبی جدید»، اولین حزب موجود در این کشور، از پنجاه سال پیش تاکنون در شهر بنگازی -واقع در شرق لیبی- است. فعالان و اعضای این حزب معتقدند رسالت و پیام حزب لیبی جدید، اخلاص به خداوند و اسلام گرایی و رهایی یافتن از حکومت طاغوت وابسته به غرب است. (خلئی تایم، ۲۰۱۱).

انقلابیان یمن بابرپایی راهپیمایی در دومین جمعه ماه مبارک رمضان، یک صدا خواستار توقف دخالت های واشنگتن در این انقلاب شدند و دلیل طولانی شدن انقلاب را توطئه

آمریکا دانستند. مخالفان عبدالله صالح خواستار دخالت نکردن عربستان در امور داخلی یمن و همچنین توقف مجازات جمعی مردم بی دفاع این کشور شدند (عرب نیوز، ۲۰۱۱). در واقع، می توان تاثیر انقلاب های اخیر را بر کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاور میانه و شکل گیری معادله جدید در منطقه، در دو محور اساسی بررسی کرد:

الف) شکل گیری جامعه ای جدید در کشورهای دچار انقلاب بر مبنای ارزش های دینی - مردمی (اسلام گرایی)؛

ب) افزایش ذهنیت منفی از ایالات متحده در افکار عمومی مردم منطقه (موضوع اصلی کاربرد قدرت نرم) به دلیل سلطه همه جانبه آمریکا بر دولت هایشان و دخالت در این جنبش ها و حمایت این کشور از اسرائیل در مقابل کشورهای اسلامی - عربی.

علاوه بر این موارد، یکی از برنامه های آمریکا در خاورمیانه، بالا بردن منابع قدرت نرم خویش در قالب دیپلماسی عمومی و از طریق برنامه هایی مانند پذیرش دانشجوی، تربیت نخبگان خاورمیانه با توجه به اهداف استراتژیک خویش، گسترش ارزش های لیبرال دموکراسی در خاورمیانه از طریق ابزارهایی مانند تلویزیون و ماهواره و ... است. ولی وقوع این جنبش ها و شکل گیری ارزش های مردمی - اسلامی، معادلات جدیدی در منطقه به وجود خواهد آورد و در نتیجه، موجب کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه خواهد شد.

۲. تاثیر تحولات اخیر بر افزایش منابع قدرت نرم ایران در خاورمیانه

بعد از شروع جنبش های عربی خاور میانه، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران برخلاف آمریکا افزایش چشمگیری داشته است. همان گونه که کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در منطقه بعد از شروع تحولات مردمی یکباره اتفاق نیفتاد، بلکه عوامل آن ریشه در تاریخ چند دهه گذشته دارد، افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه هم از این امر الهام می گیرد و فقط این تحولات بر شدت جریان افزایش و کاهش منابع این دو کشور در خاورمیانه تاثیر محسوسی گذاشته است.

همان طور که در بخش های قبلی بررسی شد، عوامل ایجاد کننده و تقویت کننده قدرت نرم، شامل موقعیت ایدئولوژیک، ارتباطات دیپلماتیک مطبوع و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، تبلیغ آرمان ها، ارزش ها و اهداف متعالی، ارائه تصویر مثبت و مطلوب از خود، زدودن ذهنیت های تاریخی منفی، و ... است. با بررسی روندها و جهت گیری ها در تحولات اخیر، می توان افزایش منابع قدرت نرم ایران را در منطقه در دو محور اساسی بررسی کرد:

الف) اهمیت یافتن ارزش های انقلاب اسلامی ایران (بر محور دین محوری، عدالت محوری و سلطه ستیزی) در افکار عمومی مردم منطقه با توجه به شباهت های اهداف و

زمینه های انقلاب اسلامی با جنبش های دین گرای اخیر؛

ب) افزایش موج آمریکاستیزی و اسرائیل ستیزی (در راستای استراتژی نرم افز ار گرایانه ایران در خاورمیانه) در افکار عمومی مردم خاور میانه که مخاطبان اصلی قدرت نرم هستند، در مقابل زدودن ذهنیت های منفی از انقلاب اسلامی و نماد عینی آن، یعنی جمهوری اسلامی ایران. (منبع قدرت نرم)

از مهم ترین نمودهای افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه بعد از شروع تحولات اخیر، راهپیمایی روز جهانی قدس سال گذشته است که نسبت به سال های گذشته در کشورهای خاورمیانه، متفاوت بود و این دقیقاً در راستای یکی از محورهای استراتژی نرم افزار گرایانه ایران در منطقه (رویاری نرم ایران با اسرائیل و آمریکا در منطقه در حمایت از ملت فلسطین) است. در ادامه، نمودهای واقعی و ملموس افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه ذکر شده است.

براساس گزارش منابع خبری، علاوه بر ایران، مردم کشورهای مختلف نیز با برپایی راهپیمایی ضد صهیونیستی روز قدس، صف آرای جدیدی را بر ضد اسرائیل غاصب به نمایش گذاشتند. خشم انقلابیان مصر نیز بر ضد رژیم صهیونیستی نیز فوران کرد. برای اولین بار پس از سرنگونی مبارک، انقلابیان مصری در راهپیمایی میلیونی روز قدس شرکت کردند و ضمن درخواست اخراج فوری سفیر اسرائیل، در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره شعار ((بیرون برو)) را سر دادند. در زمان حاکمیت مبارک، این رژیم، برگزاری هرگونه تظاهرات در این روز را منع می کرد. (بی نا، ۱۳۹۰).

در عربستان نیز برچم رژیم صهیونیستی به آتش کشیده شد. به گزارش شبکه پرس تی وی هزاران نفر از مردم شرق عربستان تظاهرات ضد صهیونیستی برگزار کردند. تظاهر کنندگان در چندین شهر عربستان هم زمان با آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به خیابان ها ریخته، جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند و پرچم این رژیم را به آتش کشیدند. (عرب نیوز، ۲۰۱۱). مردم تونس، امسال برای اولین بار بعد از به ثمر رساندن انقلاب خود، مراسم روز جهانی قدس را برگزار کردند.

((خلیل شاهین))، کارشناس مسائل خاور میانه در مصاحبه با شبکه خبری (العالم)

گفت:

"روز جهانی قدس، رویداد مهمی برای جهان اسلام و همه ملت ها به منظور اعلام حمایت از مردم فلسطین به ویژه مسئله قدس به شمار می رود و این موضوع، امسال اهمیت خاصی دارد؛ زیرا قدس در معرض حملات گسترده صهیونیست ها قرار گرفته است." وی افزود: "روز قدس به یک روز جهانی تبدیل شده است و فقط روز ملت فلسطین یا امت اسلامی نیست، بلکه روز همه آزادگان جهان و حمایت از مبارزه همه ملت ها در راه رهایی از اشغالگری است." (خللی

تایم، ۲۰۱۱). از عوامل دیگر ایجادکننده قدرت نرم، ترویج و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای سیاسی مورد نظر کشور به کارگیرنده قدرت نرم در سطح جهانی و منطقه ای است. جهت گیری جنبش‌های اخیر به سمت حکومت‌های مردمی - اسلامی، احتمال الگوگیری این انقلاب‌ها از انقلاب اسلامی ایران را تا حد زیادی افزایش داده است. این امر می‌تواند منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه را - که مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی است - به خطر بیندازد (گرینبورگ و اسمیت^۱، ۲۰۱۱: ۸۹). و در مقابل، سبب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه شود. نشانه‌های فراوانی در حرکات، شعارها، خواست‌ها و گروه بندی‌های معترضان وجود دارد که نشان می‌دهد اعتراضات موجود، اگر چه ممکن است در مقایسه با ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در سطح متفاوت تری تعریف شوند، اما می‌تواند به سمت ارزش‌های اسلامی (دین محوری، عدالت محوری و سلطه ستیزی) حرکت کند. (گرگوئیس^۲، ۲۰۱۱: ۵۷). (الگودهی ارزشی - هنجاری به عنوان منبع قدرت نرم)

((عبدالکریم بالحاج))، رئیس شورای نظامی طرابلس، در گفتگو با خبرگزاری فارس گفت: ((انقلابی که از ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ (۲۷ بهمن ۱۳۸۹) بر ضد سرهنگ قذافی شروع شده، یک انقلاب به تمام معنا اسلامی است)). بالحاج تاکید کرد: ((در این انقلاب، شعاری جز شعار الله اکبر شنیده نمی‌شد)). بالحاج در پاسخ به این سوال که ((مردم لیبی خواستار چه نوع سیستمی برای اداره کشور خود هستند؟)) گفت: ((اکثریت مطلق مردم لیبی مسلمان و طبیعتاً خواستار یک سیستم اسلامی با رعایت همه حقوق شهروندی هستند؛ انقلاب ما اسلامی است و مردم به همین خاطر به خیابان‌ها آمده‌اند)). (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰) در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت وقوع تحولات اخیر در خاورمیانه از دو جهت اساسی موجب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه خواهد شد؛ در ابتدا جهت گیری این تحولات است که همسو با استراتژی نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه در جریان است. استراتژی نرم جمهوری اسلامی را می‌توان بر محورهای صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی بر مبنای دین محوری (حاکمیت دین در همه ابعاد زندگی)، عدالت محوری (در دو سطح داخلی و بین المللی) و سلطه ستیزی (مبارزه با قدرت‌های جهانی مثل آمریکا و قدرت‌های منطقه ای مثل اسرائیل) به جهان اسلام و خاورمیانه، تبیین کرد. همان طور که بررسی شد، جهت گیری این انقلاب‌ها در راستای استراتژی نرم ایران در منطقه، در جریان است. از طرف دیگر، تشنج‌زدایی روابط ایران با کشورهای عربی است که به تحریک آمریکا، روابط ایران با بعضی از این کشورها متشنج و اختلاف زاده شده است.

بعد از سرکار آمدن حکومت‌های مردمی - اسلامی، با توجه به تشابهات فرهنگی -

1. Greenburg & Smith
2. Guirguis

دینی ایران با این کشورها، جمهوری اسلامی می تواند از این تشابهات به عنوان یک ابزار برای گسترش روابط با این کشورها (یکی دیگر از عوامل ایجاد کننده قدرت نرم) و در نتیجه، افزایش منابع قدرت نرم خویش استفاده کند.

بحث و نتیجه گیری:

کاربرد قدرت نرم، اهمیت روزافزونی در معادلات استراتژیک نظام بین الملل دارد و قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای به دنبال افزایش منابع قدرت نرم خویش در مناطق استراتژیک، در راستای استراتژی کلان خوش هستند. در همین راستا، دو کشور ایران و آمریکا، به عنوان دو بازیگر مؤثر و رقیب در معادلات منطقه ای، همواره در پی افزایش منابع قدرت نرم خویش در منطقه (گسترش ارزش ها و هنجارها، سیاست های فرهنگی و ... در میان ملت های دیگر و در نتیجه، کنترل بر افکار عمومی) بوده اند. در نتیجه، یک رویارویی نرم بر محور استراتژی های نرم افزار گرایانه از سوی دو کشور، در تقابل با همدیگر شکل گرفته است. انقلاب های اخیر خاورمیانه که از آن به عنوان رنسانس ملت های خاورمیانه با رویکرد اسلامی یاد می شود، بر معادلات نظام جهانی و منطقه ای اثر گذاشته و معادلات جدیدی را در سطح منطقه ای به وجود آورده است. معادله تقابل نرم ایران و آمریکا در منطقه هم متأثر از این امر است. با توجه به بررسی های این مقاله می توان ادعا کرد که تحولات اخیر در خاورمیانه با رویکرد اسلامی - مردمی مبنی بر ارزش هایی همچون دین محوری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...، عدالت محوری و سلطه ستیزی (در تقابل با آمریکا و اسرائیل به عنوان دو قدرت جهانی و منطقه ای) است. شکل گیری و ادامه این جهت گیری ها به کاهش منابع قدرت نرم آمریکا در خاورمیانه منجر خواهد شد؛ زیرا گسترش و عمیق شدن این ارزش ها (اهداف انقلابیان) در تضاد کامل با ارزش های لیبرال دموکراسی آمریکا بر محورهای اومانیستی و سکولاریستی - که منبع اصلی قدرت نرم آمریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می شود - است. بررسی های صورت گرفته و گزارش ها نشان می دهد که خواست انقلابیان در سطح مسائل اقتصادی باقی نمانده و به حوزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با محوریت اسلام نیز گسترش پیدا کرده است. این امر، به طور دقیق نشان دهنده تقابل ارزش های اسلامی انقلابیان با ارزش های لیبرال دموکراسی است که هیچ سنخیتی با فرهنگ (یکی از موضوعات محوری در منابع قدرت نرم) مردم مسلمان خاورمیانه ندارد.

در نقطه مقابل و در رویارویی نرم ایران و آمریکا در خاورمیانه، این تحولات به شکل گیری معادلات جدیدی می انجامد که موجب افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه خواهد شد. افکار عمومی، یکی از محورهای اساسی در کاربرد قدرت نرم و در کانون آن است. (نفوذ

در افکار عمومی از طریق ارزش‌ها، فرهنگ و ...). بنابراین، با مطرح شدن ارزش‌هایی همچون عدالت محوری، دین محوری و سلطه ستیزی در افکار عمومی انقلاب بیان، هم پوشانی لازم بین ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران (منبع اصلی قدرت نرم ایران) و جنبش‌های اخیر به وجود آمده، در معادلات آینده شاهد افزایش منابع و قدرت نرم ایران در منطقه خواهیم بود. تحولات اخیر از دو جهت اساسی به افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر شده است. از سویی، با گسترش ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم منطقه، ارزش‌های اسلامی انقلاب ایران، به عنوان منبع قدرت نرم ایران در منطقه، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. از طرف دیگر، زدودن ذهنیت‌های منفی و شکل‌گیری تصویر مطلوب از جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی دیگر از عوامل ایجادکننده قدرت نرم - به افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر خواهد شد.

منابع:

- آشنا. حسام الدین، ۱۳۸۴، دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباط در خدمت سیاست خارجی، کتاب آمریکا، ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا، تهران ابرار معاصر.
- برزگر، کیهان، ۱۳۸۷، ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز.
- بی نام، ۱۳۹۰، پرشکوه‌ترین روز جهانی قدس با ورود ملت‌های مسلمان به صحنه، روزنامه جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰/۶/۵، شماره ۹۲۶۲، سال سی و دوم.
- خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰/۶/۸، مصاحبه با عبدالکریم باالحاج.
- رجبی، امیر مختار، ۱۳۹۰/۶/۲۶، رنسانس خاورمیانه با رویکرد اسلامی بر گرفته از: <http://www.javanonline.ir/vde5zttya532.cebt.html>
- مولانا، عبدالحمید و منوچهر محمدی، ۱۳۸۷، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، چاپ اول، تهران نشر دادگستری.
- نای، جوزف، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران، پژوهش نامه علوم سیاسی، شماره دوم، بهار ۸۸.

منابع لاتین:

- AL-orabi, Mina&Russel, Gerard.2011. "The trust deficit: seven steps forward for U.S-Arab dialogues", Washington Quarterly, summer.

- Arab new .com.2011."Bahrain gulf troop to stay as counter to Iran" Available at: <http://arabnews.com/darticlen.asp>.Agust20
- Bahrain online news.2011. "we are all Hammed campaign to be launched" Available at: <http://bahrainonlinenews.cim>
- Bially, Mateern Janice, 200V, **Why soft power isn't so soft: Representation Force and Attractive in world political**, in power in world polities. Edition by Felix Berend&M.J.Williams,Polities. London& New York:Rouledge.
- Bayman, Daniel.2011." **Israel, s pessimistic View of the Arab Spring.**" Washington Quarterly. Summer.
- Drezerneer.Daniel W.2011."Does Obama a grand strategy?" Foreign Affairs July/August.
- Fischer. Markus.2006.**Culture and foreign politics, in the limits of culture: Islam and foreign policy.** it press Cambridge. Massachusetts.
- Gill.B&y Huang.2006. "Sources and Limits of Chinese soft power". Survival,val.48.no2. summer.
- Greenburg. Douglas N& Derek D. Smith.2011." **Aiding Friend and Foes in Palestine**". Foreign Affairs, june20.
- Guirguis. Dina.2011. "Egypt after the revaluation: An early Assessment". Washington institute for Near East policy. April.
- Hinen, Games.2008.**Smart power in the world.** University, New York.
- Ikenberry,Jone.2011."The future of power". Foreign affairs. Mach/April.
- Khaleei time .2011."GCC urges UN to hart interference by Iran. Available at: <http://www.khaleentime.com/darticlen.asp>.Agusut19.
- Lukes.Steven.2007.**Power and the battle for heart and minds: on the bluntness of soft power**". In power in politics. London & New York: Rutledge.
- Lynn. William J.2011."A military strategy for new space environment". Washington Quarterly.summer2011.
- Nye. Joseph.2003."Limites of American power". Political Quarterly. vil.117.
- Ney. Joseph.2004.**soft power: the means to success in politics.** New York: public affairs.
- Ney. Joseph.2007.**Notes for a soft power researcher agenda.** In power in politics London &New York: Rutledge.
- Ney. Joseph.2008.**The benefus of soft power.** Until recently the dean of Harvard Kennedy school. Available:<http://hbswk.hbs.edu>.
- Ney. Joseph.2009."Geat smart". Foreign Affairs. July /August.
- Ney. Joseph.2010."The future of American of power". Foreign affairs. November/December.

- Serfaty.Simon.2011."Into a past- western world." Washington quarterly.Spring.
- Slackman. Michael.2011."**Bullets stall youthful push for Arab Spring**". New York time. Available at: <http://www.nytimes.com.march17>.
- Wickham. Carrie rosefky.2011."**The Muslim brotherhood after Mubarak**". Foreign affairs. February.
- Zakaria. Fareed.2008."**The future of American power** ".Foreign affairs. May/June.